

درس فارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی الحيض

موضوع جزئی: حکم خون خارج شده از مشکوک البلوغ

سال تحصیلی: ۱۴۰۲-۱۴۰۱

تاریخ: ۱۶ بهمن ۱۴۰۱

مصادف با: ۱۴ رجب ۱۴۴۴

جلسه: ۶۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۷۰۱ بود. عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، اگر از کسی که در بلوغ او شک است، خونی خارج شود که صفات حیض را داشته باشد، آن خون محکوم به حیض است و خروج این خون علامت بلوغ است، به خلاف موردی که خون، صفات حیض را داشته باشد ولی آن خون از کسی خارج شود که به عدم بلوغ او علم باشد که در این صورت، خون مذکور، حکم خون حیض را نخواهد داشت و این مراد از شرطیت بلوغ است.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرمود که در رابطه با این مسأله در دو مقام بحث می‌شود؛ مقام اول، مقام ثبوت و واقع است، یعنی آیا ثبوتاً امکان دارد که کسی قبل از نه سالگی خونی ببیند و آن خون، خون حیض باشد یا امکان ندارد چنین خونی، خون حیض باشد؟ و مقام دوم، مقام اثبات و خارج است، یعنی اگر در بلوغ دختری شک باشد و از او خونی خارج شود که اوصاف حیض را داشته باشد، آیا آن خون علامت حیضیت و بلوغ است یا به صرف اینکه آن خون صفات حیض را داشته باشد، نمی‌توان به بلوغ آن دختر و حیضیت خون مورد نظر حکم کرد؟

در بررسی مقام اول، عرض شد که مقتضای اخبار تحدید کننده حیض [که حدّ حیض را از حیث آغاز و پایان مشخص کرده‌اند] این است که دختر بچه قبل از اتمام نه سالگی خون حیض نمی‌بیند که در جلسه گذشته به دو روایت در این رابطه اشاره شد و در ادامه اشکالی مطرح و از آن پاسخ داده شد.

توهم: اوصاف موجود در خون، اماره بر حیضیت خون است و مانعی از تعبّد به این اماره نیست زیرا اماره بر آن اوصاف قائم شده است.

دفع توهم: این توهم به وسیله اخباری که مشتمل بر اوصاف خون حیض‌اند که سابقاً به آنها اشاره شد^۱، دفع می‌شود زیرا این اخبار به دو شکل بیان شده‌اند؛ یا در این اخبار، عنوان «امراً» ذکر شده است و این گونه آمده است که خونی که از زن خارج می‌شود اگر گرم باشد، سیاه باشد و به صورت دفعی و با فشار خارج شود، حیض است و یا این اخبار مطلق‌اند و تعبّد به حیضیت خون در جایی قابل تصویر است که قابلیت برای حیض بودن، وجود داشته باشد و آن بر اساس اخبار وارده، دختری است که نه سال او تمام شده باشد و اگر به نه سال نرسیده باشد نمی‌توان به حیض بودن خونی که از او خارج می‌شود حکم کرد، کما اینکه اگر آن خون از طریق غیر معهود، یعنی از طریق مجرای معمولی خارج شود، محکوم به حیض نیست، هر چند صفات حیض را داشته باشد.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الحيض، باب ۳، ص ۲۷۵.

بعضی از علما از جمله مرحوم سید (ره) معتقدند که خونی که از دختر مشکوک البلوغ خارج می‌شود اگر صفات خون حیض را داشته باشد، محکوم به حیضیت است و مشهور بین فقها نیز همین نظر است. پس صفات خون حیض، اماره بر حیضیت و بلوغ است. لکن این مقام (مقام اثبات) نیز همانند مقام ثبوت قابل اثبات نیست زیرا حکم به حیضیت و بلوغ با تمسک به اماره یا با شک در حیضیت خون است یا با علم به حیض بودن خون است؛

اما در صورت شک در حیضیت نمی‌توان به حیض بودن خون حکم کرد زیرا در حیضیت، معتبر است که بلوغ دختر [یعنی اتمام نه سالگی] احراز شود و با شک در تحقق این شرط، بلکه با تعبد به عدم تحقق شرط به وسیله استصحاب عدم بلوغ، به عدم حیضیت و عدم بلوغ حکم می‌شود [، یعنی با جریان استصحاب عدم بلوغ، به عدم بلوغ و عدم حیضیت حکم می‌شود] پس، چون شخص مورد نظر، مشکوک البلوغ است و در بلوغ او شک است، نمی‌توان به حیضیت و بلوغ او حکم کرد.

اما با علم به حیض بودن خون نیز معنایی برای اماره و تعبد به آن برای حکم به بلوغ نیست [، یعنی وقتی علم به حیضیت باشد نیازی به اماره نیست] زیرا علم به حیضیت با علم به بلوغ دختر مساوی است زیرا لازمه اشتراط حیض، بلوغ [و اتمام نه سالگی] است. پس علم به حیض در فرض شک در بلوغ معنا ندارد زیرا علم به حیض با علم به بلوغ مساوی است، پس نمی‌شود که شخص علم به حیض داشته باشد ولی در عین حال در بلوغ شک داشته باشد بنابراین با علم به بلوغ و حیضیت معنایی برای اماره و تعبد به آن باقی نمی‌ماند، پس اینکه [در فرض علم به بلوغ و حیضیت] بعضی از فقها گفته‌اند که صفات حیض، اماره بر حیضیت و بلوغ است، وجهی ندارد.

اشکال: بعضی گفته‌اند که در بعضی از روایات آمده است که وجوب روزه و نماز و وجوب پوشش در نماز، مترتب بر حیض است [، یعنی حیض، معیار و ملاک برای وجوب تکلیف قرار داده شده است و اتمام نه سالگی ملاک نیست] که روایات ذیل از جمله آن روایات می‌باشند؛

روایت اول: مرسله صدوق: «عَلَى الصَّبِيِّ إِذَا احْتَلَمَ الصِّيَامُ وَعَلَى الْمَرْأَةِ إِذَا حَاضَتْ الصِّيَامُ»^۱.

در این روایت وجوب روزه، بر حیض مترتب شده است و این، بدین معناست که دیدن خون حیض، علامت بلوغ است.

روایت دوم: موثقه عمار: عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْغُلَامِ مَتَى تَجِبُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ؟ فَقَالَ: «إِذَا أَتَى عَلَيْهِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً فَإِنْ احْتَلَمَ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَجِبَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَجَرَى عَلَيْهِ الْقَلَمُ وَالْجَارِيَةُ مِثْلُ ذَلِكَ إِنْ أَتَى لَهَا ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً أَوْ حَاضَتْ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَجِبَتْ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَجَرَى عَلَيْهَا الْقَلَمُ»^۲.

در این روایت نیز وجوب نماز، بر احتلام و حیض مترتب شده است و این حاکی از این است که احتلام و حیض، نشانه بلوغ‌اند.

روایت سوم: عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ: عَلَى الصَّبِيِّ إِذَا احْتَلَمَ الصِّيَامُ وَعَلَى الْجَارِيَةِ إِذَا حَاضَتْ الصِّيَامُ وَالْخِمَارُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ مَمْلُوكَةً فَإِنَّهُ لَيْسَ عَلَيْهَا خِمَارٌ إِلَّا أَنْ تُحِبَّ أَنْ تَخْتَمِرَ وَعَلَيْهَا الصِّيَامُ»^۳.

در این روایت نیز وجوب روزه و پوشش، بر احتلام و حیض مترتب شده است و این دو علامت بلوغ دانسته شده‌اند.

۱. همان، ج ۱، ابواب مقدمة العبادات، باب ۴، ص ۴۵، ح ۱۰.

۲. همان، ح ۱۲.

۳. همان، ج ۴، کتاب الصلاة، ابواب لباس المصلى، باب ۲۹، ص ۴۱۰، ح ۳؛ ج ۱۰، کتاب الصيام، ابواب من يصح منه الصوم، باب ۲۹، ص ۲۳۶، ح ۷.

روایت چهارم: صحیحہ یونس بن یعقوب: عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ، قَالَ: «نَعَمْ» قَالَ: قُلْتُ: فَالْمَرْأَةُ، قَالَ: «لَا وَلَا يَصْلُحُ لِلْحُرَّةِ إِذَا حَاضَتْ إِلَّا الْخِمَارُ إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَهُ»^۱.

امام صادق (ع) در این روایت فرموده است که بر مرد جایز است که در یک لباس نماز بخواند ولی جایز نیست که زن آزاد بدون پوشش نماز بخواند مگر اینکه پوششی پیدا نکند و این سخن از ترتب وجوب پوشش بر حیض حکایت دارد و لذا حیض علامت بلوغ است.

گفته‌اند که از این روایات استفاده می‌شود که وجوب نماز، روزه و پوشش بر دختر، بر یکی از دو امر مترتب است و آن، اینکه یا دختر باید سیزه سالش تمام شده باشد و یا اینکه حیض ببیند و از این روایات استفاده می‌شود که ملاک برای بلوغ، اتمام نه سالگی نیست، بلکه ملاک، دیدن خون حیض است.

بحث جلسه آینده: پاسخ از استناد به روایات مذکور، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. همان، باب ۲۸، ص ۴۰۵، ح ۴.